[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]

[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره سی و هفتم، بهار ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۵ – ٤٥

اعتبارسنجی روایات شاهزاده بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام

عباس میرزایی[۱]

چکیده

در برخی از روایات به نقل از ائمه معصـومین علیهم‌السلام آمـده اسـت کـه شـهربانو مـادر امـام سجاد علیه‌السلام، دختر یزدگرد ساسانی بوده‌است. چنین روایاتی موجب شده تا باور شاهزادگی و ایرانی تبار بودن امام سجاد علیه‌السلام در میان امامیه مطرح شود. مسئله اصـلی پـژوهش ایـن است که آیا گزارش‌های تاریخی موجود، محتوای روایات مربوط به شاهزاده بودن مـادر امام سجاد علیه‌السلام را تأیید می‌کند؟ در این مقاله یک روایت از صفار قمی و دو روایت از شیخ صدوق درباره شاهزاده بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام از نظر سند و محتوا مورد نقد و بررسـی قرار گرفت. سپس با سنجش این سه روایت با گزارش‌های تاریخی نشان داده شـد کـه این روایات از اعتبار چندانی برخوردار نیستند. همچنین در این بررسی نشان داده شد که محتوای این روایات تأثیری در گسترش تشیع در ایران نداشته است.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه‌السلام، تشیع در ایران، شهربانو دختر یزدگرد.

۱. استادیار مرکز تحقیقات وقف دانشگاه شهید بهشتی. a_mirzaei@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۵

درآمد

درباره مادر امام سجاد علیه‌السلام گزارش‌های مختلفی نقل شده‌است. در ام ولد بودن مادر ایشان تردیدی نیست. اختلاف درباره نژاد خانوادگی مادر ایشان است. برخی از منابع اهل سنت اساساً هیچ اشاره‌ای در این باره نداشته‌اند. ابن سعد (۲۱۱/۵)، بلاذری (*انساب*، ۱۰۲/۳، ۱٤٦)، طبری (*المنتخب*، ۱۱۹)، خلیفه بن خیاط (٤۱۷)، ابن حبان (۵/ ۱۵۹-۱٦۰)، ابن عبدالبر اندلسی (۱۵٦/۹) و ابن ایوب باجی (سلیمان بن خلف، ۱۰۷۸/۳) مشهورترین منابع اهل سنت تا سده پنجم هستند که به اصل و نسب مادر امام سجاد علیه‌السلام اشاره‌ای نکرده‌اند. برخی دیگر هم تنها به اشاره اصالت مکانی، وی را اهل سند یا سجستان دانسته‌اند. گزارش اول در این باره را ابن حبیب بغدادی (٤۰۱) نقل کرده که نام علی بن حسین علیه‌السلام را در قسمت ابناء السندیات قریش ذکر کرده است. ابن قتیبه (۲۱٤-۲۱۵؛۱۷، ۱۰/٤)، صفدی (۲۳۱/۲۰) و یافعی (۱۵۲/۱) نیز وی را سِندی یاد کرده‌اند. بلاذری (*انساب*، ۱۰۲/۳، ۱٤٦) با عبارت «قالوا» به سجستانی بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام اشاره کرده است. در منابع اهل سنت، گزارش دیگری نیز نقل شده که مادر امام سجاد علیه‌السلام را دختر یزدگرد معرفی کرده است. نخستین بار در اواخر سده سوم، مبرد (٤۲۳/۱) به این موضوع پرداخته و پس از او دیگر بزرگان اهل سنت نیز از سده شش به بعد به این موضوع توجه کرده‌اند (زمخشری، ۳۳٤/۱؛ بری، ۵۰-۵۱ ؛ ابن خلکان، ۲٦۷/۳؛ ذهبی، *سیر الاعلام النبلاء*، ۳۳۹/٤؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ٤۳۹/٦؛ یافعی، ۱۵۲/۱؛ البته شافعی، ٤۰۸؛ صفدی، ۲۳۱/۲۰ نیز با عبارت «قیل» به این موضوع پرداخته‌اند).

در منابع تاریخی و حدیثی شیعی بارها از سده سوم هجری به دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام تصریح شده‌است. نخستین بار در نیمه اول سده سوم در آثار قاسم رسی (٦۹) از عالمان زیدی و سپس یعقوبی (۳۰۳/۲) از دیگر منابع شناخته شده سده سوم به این موضوع پرداخته شده‌است. در منابع حدیثی امامیه هم باید به صفار (۳۵۵)، کلینی (٤٦٦/۱-٤٦۷) و شیخ صدوق (*کمال الدین*، ۳۰۵-۳۰۷ و *عیون الاخبار*، ٤۷/۱-٤۸) اشاره کرد که از اولین‌ها در این عرصه به شمار می‌روند. صفار و به تبع آن کلینی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

یک روایت از امام باقر علیه‌السلام و شیخ صدوق هم دو روایت از امام باقر علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام نقل کرده‌اند. این مقاله تلاش می‌کند این احادیث را از طریق بررسی‌های تاریخی مورد مطالعه قرار دهد.

اهمیت این مسئله از این جهت است که یکی از زمینه‌های رشد این نظریه میان امامیان، که مادر امام سجاد علیه‌السلام از تبار یزدگرد سوم است، حضور این دسته روایات در منابع حدیثی است. بررسی و نقد تاریخی این دسته از روایات در واقع زمینه را برای نقد و بررسی ریشه‌های این مسئله هموار خواهد کرد.

پیشینه پژوهش

درباره ایرانی و ساسانی بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام بررسی‌هایی صورت گرفته است. جعفر شهیدی در کتاب *زندگی علی بن حسین* علیه‌السلام درباره این موضوع بحث کرده و تا حدودی وارد نقد روایی آن هم شده‌است (شهیدی، ۹-۲۷). ولی شهیدی بحث را به صورت کامل پیش نبرده‌است. شهیدی روایتی که صفار و کلینی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده‌اند را تصور می‌کند که از امام صادق علیه‌السلام است (همان، ۱۳) و بر این مبنا به نقد آنها می‌پردازد. وی پس از نقد سندی، در نقد محتوایی به گرایش‌های شعوبی گرایانه جاعلان اشاره می‌کند (همان، ١٦). شهیدی عمدتاً سوالاتی را مطرح می‌کند که ناظر به دور از ذهن بودن این گزارش‌ها و عدم امکان وقوع تاریخی آن است (شهیدی، ۱۷-۱۸). او به طور جدی در نقد روایت کلینی به گزارش طبری در بحث فتوحات عبدالله بن عامر بن کریز اشاره کرده است (شهیدی، ۱۸-۱۹). شریعتی در *تشیع علوی و صفوی* (شریعتی، ۹۱)، شهید مطهری در *خدمات متقابل اسلام و ایران* (مطهری، ۱۳۱-۱۳۱-۱۳۲) و یوسفی غروی در *موسوعه التاریخ الاسلامی* (یوسفی غروی، ٣٥٧/٤، ٥٦٢) هر کدام به نحوی نسبت به این ماجرا موضع‌گیری کرده و نقدهایی را مطرح کرده‌اند ولی هیچکدام از آنها به صورت خاص بر منابع روایی امامیه و نقد تاریخی آنها متمرکز نشده‌اند و تنها جسته گریخته اشاراتی به موضوع داشته‌اند. دقیق‌ترین بررسی توسط مهدوی دامغانی (۱۳۸۸ش) انجام شده‌است. ایشان در مقاله بسیار طولانی و با اطناب مُمِلی تلاش می‌کنند، بر خلاف ایده این مقاله، دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

اثبات کند. مهدوی مادر امام سجاد علیه‌السلام را، با عبارت «قطعاً»، دختر یزدگرد می‌داند که در دوره عثمان اسیر شده‌است. ایشان دو روایت دیگری را نقد می‌کنند که بخشی از آنها تاریخی است و البته بخشی از همان نقدهای تاریخی هم قابل نقد است.[1] تلاش مهدوی اثبات روایت شیخ صدوق (روایت سوم این مقاله) است ولی با همه توجیهاتی که برای آن مطرح می‌کند، بر اساس همان روش‌های تاریخی که به کار می‌بندد، ابهام‌های آن هم چنان پابرجاست. یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده کتاب *تشیع ریشه ها و باورهای عرفانی* امیرمعزی (۱۳۹۳ش) است. او تلاش می‌کند مراحل چگونگی ساخت این روایات را در بستر تاریخ تشیع نشان دهد. معزی این ماجرا را اساساً افسانه می‌پندارد (امیر معزی، ۸۷) و می‌گوید شخصیت شهربانو به عنوان شاهزاده ساسانی و مادر امامان از آن جهت حائز اهمیت ویژه است که جریان تشیع، امام را به ایران پیش از اسلام پیوند می‌زند (امیر معزی، ۷۳). وی بر این باور است که داستان شهربانو، لااقل در هسته اولیه‌اش، میان ایرانیان شعوبی ظاهر شد (امیر معزی، ۹٤).

اصل ایده معزی را نویسنده مقاله حاضر نیز تا حدی می‌پذیرد ولی راهی که معزی برای نشان دادن آن گذرانده، چندان مورد توجه مقاله حاضر نیست. چرا که روش معزی، افزون بر رها کردن بخشی از گزارش‌ها، مانند روایت اول شیخ صدوق، که جزو پایه‌های اصلی مدعای مدعیان دختر یزدگرد بودن شهربانوست و در این مقاله مورد بحث قرار گرفته، با نقدهایی روبروست که تنها به سه مورد اشاره می‌شود:

اول: معزی بر این باور است که اصل این گزارش‌ها در منابع تاریخی اهل سنت است ولی پس از قرن سوم تعداد روایت‌ها درباره همسر ساسانی امام حسین علیه‌السلام به مرور در منابع شیعی افزایش می‌یابد. وی معتقد است که اولین متنی که به ارتباط بین امام حسین علیه‌السلام و دختر یزدگرد می‌پردازد، *اخبار الطوال* دینوری (متوفای۲۸۲) است (امیر

۱. برای نمونه مهدوی در نقل روایت کلینی (یعنی روایت اول این مقاله)، که البته آن را ابتدا صفار گزارش کرده و نه کلینی، بیان می‌کند که دختران یزدگرد در دوره عمر اسیر شدند. طبق گزارش مسعودی دختران یزدگرد، یعنی اردک، شهربانو و مرداوند، تا پسین روزهای عمر وی (یعنی حوالی سال ۳۰ق) نزد وی بودند (مهدوی، ٤۰-٤۱). در حالی که در متن مسعودی دختران یزدگرد، اردک، شاهین و مرداوند، معرفی شده‌اند و نامی از شهربانو در میان نیست. افزون بر این که مسعودی تنها معرفی به دختران یزدگرد می‌پردازد و سخنی از مادر امام سجاد علیه‌السلام در آنجا مطرح نمی‌شود (مسعودی، ۳۱٤/۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

معزی، ٧٤). این در حالی است که تردیدهای جدی درباره انتساب کتاب *اخبار الطوال* به دینوری وجود دارد (در این باره نک. بلانچ، ١٧٠؛ شاکر مصطفی، ٢٤٨/١؛ جعفریان، ١١٦). حتی اگر این کتاب از آن دینوری باشد خود دینوری در کتاب *المعارف* (١٥٤)، به صراحت مادر امام سجاد علیه‌السلام را کنیزی سندی به اسم سلافه و یا غزاله معرفی می‌کند و حتی از سرنوشت او پس از امام حسین علیه‌السلام هم گزارش‌هایی را نقل می‌کند. ابن قتیبه هم چنین درکتاب *عیون الاخبارش* (١٠/٤) به کنیزی بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام اشاره می‌کند. برخلاف نظر معزی (٨٥) پیش از آن که این روایات در منابع اهل سنت مطرح شود در منابع شیعی در سده سوم مانند قاسم رسی (٦٩)، یعقوبی (٢٤٧/٢)، صفار(٣٥٥)، ابوسهل نوبختی (٥٣-٤)و اشعری (٧١) گزارش شده‌است.

دوم: معزی معتقد است شیخ مفید اولین کسی است که این بحث را مطرح کرد که دو دختر یزگرد در دوره امام علی علیه‌السلام به مدینه فرستاده شدند. یکی از آن دو به حسین علیه‌السلام رسید و دیگری به محمد بن ابی بکر. معزی بر این باور است که با توجه به ماهیت آثار شیخ مفید (متوفای٤١٣) و دیدگاه او در مورد آل بویه، به نظر می‌رسد او از این طریق می‌خواسته شیعه و سنی را نزدیکتر کند (امیر معزی، ٨١). این در حالی است که در منابع متقدم مانند ابی نصر بخاری (٣١) و قاضی نعمان (٢٦٦/٣-٢٦٧) نیز این گزارش نقل شده‌است. از این‌رو این تحلیل معزی صحیح نیست.

سوم: معزی با توجه به نامه منصور به نفس زکیه می‌نویسد: «منصور در نامه‌اش به این واقعیت مباهات می‌ورزد که عباسیان از نسل پاک و آزادند. در همان هنگام منصور، علوی‌های حسنی و حسینی را سرزنش می‌کند که مادران بسیاری از آنان جزو کنیزان‌اند. البته در این نامه هیچ اشاره‌ای به مادر علی بن حسین نمی‌کند.» این در حالی است که در این نامه صراحتا منصور از مادر امام سجاد علیه‌السلام یاد می‌کند و به ام ولد بودن علی بن حسین علیه‌السلام اشاره شده‌است (بلاذری، *انساب الاشراف*، ١٠٠/٣-١٠١؛ ابن مسکویه، ٣٩٨/٣؛ ذهبی، ٢٤/٩-٢٥).

با توجه به بررسی انجام شده درباره مادر امام سجاد علیه‌السلام، این مقاله تنها به بررسی سه روایت در منابع شیعی و مقایسه آن با گزارش‌های تاریخی می‌پردازد. از این‌رو این پژوهش به طور ویژه با اثر معزی که تلاش می‌کند این گزارش‌ها را در بستر تاریخ

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

تحلیل کند و آنها را مولود جریان‌های اجتماعی سیاسی معرفی کند، متفاوت است. این مقاله با تمرکز بر احادیث امامیه تلاش می‌کند آنان را با رویکردی تاریخی از نظر سند و محتوی مورد نقد و بررسی قرار دهد تا از این طریق به نقد پاره‌ای از احادیث مؤثر در تاریخ تشیع و اهل بیت علیهم‌السلام بپردازد. در این بررسی نشان داده شد که گره زدن گرایش‌های ایرانیان به تشیع با ماجرای دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام، بر اساس این طیف از روایات، اعتبار چندانی ندارد. این نوشتار پی‌جویی این گزاره است که با رویکردی تاریخی می‌توان کج تابی‌های سندی و محتوایی روایت‌هایی از این دست را نشان داد. در ادامه سه روایت امامی درباره دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام به ترتیب تاریخی نقد و بررسی شده‌است.

یک. روایت صفار

اولین روایت درباره دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام در کتاب *بصائرالدرجات* صفار (متوفای۲۹۰) گزارش شده‌است. در این روایت که آن را نصر بن مزاحم از عمرو بن شمر از جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده، این گونه بیان شده که هنگامی که دختر یزدگرد را برخلیفه دوم وارد کردند دختران مدینه برای تماشای او صف کشیدند. چون دختر یزدگرد وارد مسجدالنبی شد، مسجد از پرتو نور او درخشان شد. عمر به او نگریست و دختر روی خود را پوشانید و گفت: «اف بیروج بادا هرمز»، یعنی وای روزگار هرمز سیاه شد. عمر به او واخواهی کرد که چرا ناسزا می‌گوید. امام علی علیه‌السلام توضیح داد که دختر سخن بدی نگفته و از عمر خواست که چاره داری‌اش را بر عهده خودش گزارد تا هر مردی را که خواست گزینش کند و دختر را در سهم غنیمتش شماره نماید. عمر پذیرفت و دختر از میان جمعیت حسین علیه‌السلام را گزینه کرد، نزد او رفت و دست بر سرش گذاشت. امام علی علیه‌السلام از دختر نامش را پرسید. او خود را جهان شاه شناسا کرد. حضرت نام جهان شاه را به شهربانویه تغییر داد سپس رو به فرزندش حسین علیه‌السلام نمود و گفت که از این دختر بهترین شخص روی زمین زایچه خواهد شد (صفار، ۳۵۵). کلینی (متوفای۳۲۹) نیز در *کتاب کافی* این روایت را با همین آرایه نقل کرده است (کلینی، ٤٦٦/١-٤٦٧). ولی در سده‌های بعد این داستان با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

دگرگونی درخور توجهی در متن و سند از سوی امامیانی هم چون قطب الدین راوندی (۷۵۰/۲–۷۵۱)، ابن شهر آشوب (۲۰۷/۳–۲۰۸)، محمد بن حسن قمی در سده هفتم (قمی، ۱۵٤–۱۵۵) و کتاب مجهول *دلائل الامامه* منسوب به طبری (۱۹٤–۱۹٦) بازگویی شده‌است.

صفار و کلینی روایت امام باقر علیه‌السلام را به بازگفت جابر بن یزید جعفی گزارش کرده‌اند. احتمالاً به همین دلیل این روایت مورد توجه منابع حدیثی دیگر قرار نگرفته است؛ چراکه افزون بر تأملاتی که برخی رجالیون امامی درباره جابر مطرح و وی را مورد نقدهایی قرار داده‌اند، باید گفت که این روایت را عمرو بن شمر از جابر بن یزید جعفی نقل کرده و عمرو راوی غیر قابل اعتمادی است. رجال شناسان امامی وی را شدیداً تضعیف کرده‌اند. گفته شده که او احادیثی را در آثار جابر افزوده است (درباره او نک: ابن غضائری، ۱۱۰؛ طوسی، *الرجال*، ۱٤۱).

از دیدگاه محتوایی نیز روایت صفارو کلینی با پیچیدگی‌هایی روبروست. در این روایت ماجرای حضور دختران یزدگرد در مدینه در دوره عمر(۱۳–۲۳) و احتمالاً پس از جنگ نهاوند (در سال ٦٤۲ متوفای/۲۱)، دانسته شده‌است. از سوی دیگر برپایه گزارش بیشتر منابع شیعی، از جمله خود کلینی، سال زایش امام سجاد علیه‌السلام ۳۸ است (کلینی، ٤٦٦/۱). به این معنا که اگر حضور اسیران بین سال‌های ۲۱ (زمان جنگ نهاوند) و سال ۲۳ (زمان وفات خلیفه دوم) باشد، امام حسین علیه‌السلام از شهربانو حدود ۱۵ تا ۱۷ سال دارای فرزند نشده‌است؛ پُرسه‌ای که هیچ گزارش تاریخی آن را پذیرش نمی‌کند. محتوای گزارش‌های وابسته هم چنین انگاره‌ای را نشان نمی‌دهند. نکته دیگر آن که یزدگرد در پایان عمر خلیفه دوم (متوفای۲۳) در سنی نبوده که دختر بزرگی داشته باشد.[1]

دو. روایت اول شیخ صدوق

شیخ صدوق در دو روایت به دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام اشاره کرده

۱. درباره این نقد ر.ک. دامغانی، ۲۳–۲٦؛ همچنین دامغانی به نقد تاریخی نخست نیز اشاره کرده است (همان، ٤۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

است. در یک روایت که ابی نضره از امام باقر علیه‌السلام بازگویی کرده می‌گوید: هنگامی که ابوجعفر باقر علیه‌السلام در حال احتضار بود فرزندش امام صادق علیه‌السلام را خواست و عهدی (عهد امامت) را به وی سپرد. زید بن علی که در مجلس حضور داشت خرده‌گیری کرد مبنی بر این که بر همان سیره امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام ماجرا پیش رود. امام باقر علیه‌السلام پاسخ می‌دهد که امانات به نمونه و تماثل ادا نمی‌شود و عهدهای الهی رسم و تعارف بردار نیست و این‌ها اموری است که پیشینه آن نزد خداوند متعال است. آن گاه امام باقر علیه‌السلام جابر بن عبدالله انصاری را صدا می‌کند و از او می‌خواهد آنچه با چشمان خود در صحیفه دیده را بازگو کند. جابر در ضمن گزارش می‌گوید که در صحیفه نام همه ائمه و مادران آنان مشخص بود. او در این بیان نام مادر امام سجاد علیه‌السلام را شهر بانویه بنت یزدجرد بن شاهنشاه معرفی می‌کند (صدوق، *کمال الدین*، ۳۰۵-۳۰۷ ؛ همو، *عیون الاخبار*، ۴۷/۱-۴۸).

این روایت هم از نظر سندی و محتوایی شایسته بررسی است. نخست این که روایت صدوق افزون بر نابازگفتی، با همین متن، در منابع حدیثی قبل و بعد از صدوق[1] هیچ کدام از شخصیت‌های رجالی آن، یعنی ابی نضره، صدقه بن ابی موسی، عباس بن ابی عمرو، محمد بن سعید بن محمد و محمد بن عبدالرحمان/رحیم شناخته شده نیستند و همگی شخصیت‌های مجهولی‌اند که منابع تراجم‌نگاری شرحی برای آنان ننگاشته‌اند. همچنین جابر بن عبدالله که اسامی مادران ائمه را در صحیفه حضرت زهرا علیهاالسلام دیده، در دهه هشتاد هجری از دنیا رفته است ولی زمان صدور این روایت موقع احتضار امام باقر علیه‌السلام، یعنی در سال ۱۱۴ است.

به نظر می‌رسد روایتی که صدوق نقل کرده روگرفتی دیگر از حدیث پرآوازه لوح است. حدیث لوح، حدیث معروفی از جابر بن سمره است که اهل سنت نقل کرده‌اند (نک. احمد بن حنبل، ۸۹/۵؛ مسلم نیشابوری، ۳/۶؛ ابی یعلی، ۴۵۶/۱۳-۴۵۷). راویان شیعی، این حدیث را با تفصیل بیشتر و در مصادیق امامت گسترش داده‌اند (نک. کلینی، ۵۲۷/۱-۵۲۸؛ ابن بابویه، ۱۰۳-۱۰۶؛ صدوق، *کمال الدین*، ۳۰۸-۳۱۱؛ طوسی، *الغیبه*،

۱. از منابع حدیثی متقدم امامیه در سده ششم تنها طبرسی (*الاحتجاج*، ۱۳۶/۲-۱۳۷) آن را نقل کرده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

۱۴۳-۱٤٦). در حدیث مورد بحث که صدوق آن را بازگو کرده، راوی هم مصادیق جانشینان پیامبرﷺ را نقل کرده و هم این که نام مادرانشان را نیز افزوده است.

سه. روایت دوم شیخ صدوق

روایت دوم را شیخ صدوق (متوفای۳۸۱) در *عیون اخبارالرضا* بازگفته است. او این روایت را از طریق سهل بن طریق نوشجانی روایت کرده که امام رضاؑ در خراسان به او گفته بود: میان من و شما نسبتی است. از امام سؤال کردم ایها الامیر چه نسبتی؟ امامؑ در پاسخ توضیح می‌دهد که چون عبدالله بن عامر بن کریز خراسان را فتح کرد دو دختر از دختران یزدجرد بن شهریار، پادشاه عجمیان، بدست آورد. آنان را نزد عثمان فرستاد. عثمان یکی را به حسنؑ و دیگری را به حسینؑ بخشید. هر دو دختر از آن دو بزرگوار صاحب فرزندانی شدند و هر دو در دوران نفاسشان از دنیا رفتند. آن دختری که مصاحب حسینؑ بود، علی بن حسینؑ را به دنیا آورد. سرپرستی علی (امام سجادؑ) را برخی از ام ولدهای پدرش به عهده گرفتند تا اینکه بزرگ شد و مادری غیر از آن ام ولد برای خود نمی‌دانست، ولی بعدها ماجرا را فهمید. این در حالی بود که دیگران آن ام ولد را مادر وی می‌دانستند (صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ۱۳۵/۲).

درباره این گزارش چند بحث انتقادی وجود دارد. نخست باید گفت که راوی این حدیث شخص ناشناخته و مجهولی به نام سهل بن قاسم نوشجانی است که از وی تنها چهار روایت در منابع امامی[1] و دو گزارش تاریخی در منابع اهل سنت (خطیب بغدادی، ۱٤۱/۱؛ بلاذری، *انساب*، ۲۱۳/٤-۲۱٤) نقل شده‌است. منابع تراجم‌نگاری شیعه و سنی هیچ سرگذشت، مدح و ذمی برای وی نگفته‌اند. در میان این اخبار منتسب به سهل بن قاسم دو روایت درباره ساسانیان گزارش شده‌است. یکی این که میان ائمه و ساسانیان نسبت خانوادگی است (صدوق، *اخبارالرضا*، ۱۳۵/۲) و دوم خبری از تخریب و احراق اموال ساسانیان در مدائن توسط مسلمانان است (ابن جوزی، ۲۱۰/٤).

۱. سه روایت در آثار شیخ صدوق (*عیون الاخبار*،۹٤/۲، ۱۳۵، ۱۳۸) و یک روایت هم در آثار شریف رضی (۱۱۲) نقل کرده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

بررسی‌های تاریخی، که ناظر به نقد محتـوایی اسـت، نشـان مـی‌دهـد گزارشـی کـه نوشجانی به امام رضاعليه‌السلام نسبت می‌دهد، گرته‌برداری از گزارشی تاریخی در منابع اهـل سنت است. بازگشت عبدالله بن عامر بن کریز از فتح خراسـان در سـال ۳۱ (بـلاذری، *فتوح*، ٤٣٧/٢ و٤٩٩/٣) در دوران خلیفه سوم (۲۳–۳۵) روی داده است. طبری گـزارش کرده که نیشابور را عبدالله بن عامر با سازش فتح کرد و مـردم ایـن شـهر دو دختـر از خاندان کسری/جاریتین من آل کسـری بـه وی پیشـکش کردنـد. برخـی هـم گـزارش کرده‌اند که بن عامر این دو دختر را به دست آورد. بابونج و طهمیج/طمهیج نام این دو دختر بود. بانونج از دنیا می‌رود و ابن عامر طهمیج را به یکی از فرماندهان نظامی خود به نام نوشجان مـی‌دهـد (طبـری، *تـاریخ*، ٣٤٩/٣–٣٥٠). چـه وابسـتگی ای میـان ایـن نوشجان[1] فرمانده و نوشجانی روای وجود دارد آشکار نیست. آیا صرف یـک ماننـدگی است و یا این که راویانی در مسیر جعل شخصیت‌سازی کرده‌انـد، شـاهدی در اختیـار نیست. به نظر می‌رسد روایتی که سهل بن قاسم نوشجانی به امام رضاعليه‌السلام منسوب کرده است برداشتی از این گزارش تاریخی باشد. در آن روایت سهل گزارش می‌کند که امام رضاعليه‌السلام به او گفته است که تو ما با هم نسبتی داری. سهل از امـامعليه‌السلام توضـیح مطلـب می‌خواهد و امام ماجرای عبدالله بن عامر را تعریف می‌کند. با این تفاوت که عبدالله هر دو کنیز را برای عثمان فرستاد و وی آنان را به حسنینعليهماالسلام بخشد.[2] کنیزان هم بچـه‌دار می‌شوند و سپس در نفاس از دنیا می‌روند. در سرانجام گزارش هم سهل می‌گویـد کـه وقتی امام این ماجرا را تعریف کردند هیچ طالبی/ بنی هاشمی‌ای نبود الا ایـن کـه ایـن حدیث مرا از امام رضاعليه‌السلام نوشت. این در حالی اسـت کـه ایـن روایـت میـان راویـان

۱. درباره این فرمانده نظامی (نک. ابن اعثم، ۳۰۵/۲؛ ۱۹۹۱: ابن عساکر، ۳۵/۸). گفتنی است که نوشجان (به ضم نون) نام منطقه‌ای در خراسان (ابن فقیه همدانی، ٦٣٥) و همچنین فارس (سمعانی، ٥٣٥/٥؛ ابن اثیـر، *اللبـاب*، ۳۳۱/۳) است. نوشجان نامی عجمی است. احتمالاً این شخص نظامی از فرماندهان نظامی ساسانیان بوده‌است که مسلمان شده و به سپاه مسلمانان محلق شده‌است. احتمال دارد اهدایی عبدالله بن عامر در سپاس از همراهی وی با مسلمانان باشد. البته چنین کنیزی با چنین جایگاهی باید به مدینه و برای خلیفه ارسال شود (صـنعانی، ۲۸۲/۸) چرا که عبدالله بن بن عامر کنیزهای فاقد چنین ویژگی را برای عثمان می‌فرستاد.

۲. این که این دو کنیز را عثمان به امـام حسـنعليه‌السلام و امـام حسـینعليه‌السلام مـی‌بخشـد احتمـالاً برخاسـته از ذهنیـت راوی/جاعل از شرکت حسنینعليهماالسلام در فتح ایران در دوره عثمان بوده‌است. درباره شرکت این دو امام در فتح ایران (نک. بلاذری، ٤١١/٢؛ طبری، ۳۲۳/۳؛ ابن فقیه، ٥٧٠).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

حدیث و منابع حدیثی هیچ جایگاهی نداشته و تنها شیخ صدوق از یک طریق آن را بازگو کرده است (نک. صدوق، *اخبار الرضا*، ۱۳۵/۲). این روایت شیخ صدوق با روایت اولش کاملاً متفاوت است. روایت اولی ماجرا را در دوره عمر و این روایت آن را در دوره عثمان گزارش می‌کند.

جوهری (متوفای۴۰۱) حدیث غریبی از شخص مجهولی به نام محمد بن علی بن حسن نوشجانی که وی از جدش حسن نوشنجانی نقل کرده که یزدگرد بعد از آشکار شدن شکستش در مدائن جمله‌ای مبنی بر بازگشت مجدد خود یا یکی از فرزندانش به مدائن مطرح می‌کند و امام صادق علیه‌السلام آن را تأویل به ششمین فرزندش یعنی مهدی قائم می‌کند (جوهری، ۴۰-۴۱؛ سید بن طاووس، ۳۷۲-۳۷۳).

چه رابطه‌ای میان سهل بن قاسم نوشجانی، محمد بن علی نوشجانی، حسن نوشجانی همچنین نوشجانی که فرمانده نظامی ابن عامر است و از سوی دیگری بره بن نوشجان که گفته شده مادر امام سجاد علیه‌السلام است، وجود دارد؟ به نظر می‌رسد همه اینها در یک راستا قرار دارند و میان آنها پیوستگی معنایی وجود دارد. منابع امامی در کنار گزارش‌های متعدد خود درباره مادر امام سجاد علیه‌السلام گزارشی نقل کرده‌اند که چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این گزارش می‌گوید که نام مادر امام سجاد علیه‌السلام «برة بنت النوشجان» بوده‌است. اولین بار منبعی در سده سوم به نام کاتب بغدادی (۲۴) که فاصله چندانی با طبری (متوفای۳۱۰) ندارد آن را نقل کرده است. این گزارش تنها در سده ششم (ابن خشاب، ۲۳) و هفتم (اربلی، ۳۱۷/۲) آمده و هیچ گاه توجهی ویژه‌ای به آن نشده‌است. به نظر می‌رسد میان این گزارش و گزارشی که طبری درباره عبدالله بن عامر نقل کرده و همچنین گزارشی که سهل بن قاسم نوشجانی به امام رضا علیه‌السلام منسوب کرده است پیوندی وجود دارد. چرا که عبدالله بن عامر یکی از آن کنیزهای کسرایی را به شخصی به نام نوشجان می‌دهد. در این گزارش نیز نام مادر امام سجاد علیه‌السلام «برة بنت النوشجان» ذکر شده‌است. اینها همه ابهاماتی است که درباره گزارش دوم شیخ صدوق می‌توان مطرح کرد و به دلیل گسست گزارش‌ها، امکان پاسخ و یا توجیهی برای آنها چندان آسان نیست ولی این ابهامات آشکارا راه را برای تردید نسبت به اصل واقعیت کاملاً هموار می‌کند. البته امیرمعزی درباره این نوشنجانی‌ها معتقد است که همه اینها از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

یک خاندان بزرگ ایرانی بوده‌اند که دارای گرایش‌های ساسانیسم بوده و پیوند مستحکمی با ساسانیان داشته‌اند و احتمالاً داستان دختر یزدگرد بودن شهربانو ساخته و پرداخته همین‌هاست (امیرمعزی، ۹۱-۹۲).

گزارش های متفاوت دیگر

افزون بر این سه گزارشِ صفار و شیخ صدوق، منابع شیعی گزارش دیگری از ماجرای دختر یزدگرد نقل کرده‌اند که متفاوت از آن سه است. گزارش صفار ماجرا را در زمان خلیفه دوم و گزارش دوم صدوق ماجرا را مربوط به دوران عثمان بیان می‌کنند. ولی این گزارش ماجرا را مربوط به دوران حاکمیت علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌داند. در این باره باید روشنگری کرد که قاضی نعمان (متوفای۳٦۲) در گزارشی از کلبی (متوفای۲۰٤) نقل کرده که دختر یزدگرد به واسطه والی امام علی علیه‌السلام در سرزمین‌های شرقی به نام حریث بن جابر جعفی به مدینه ارسال شد. امام علی علیه‌السلام نیز آن را به فرزندش حسین علیه‌السلام داد (قاضی نعمان، ۲٦٦/۳-۲٦۷؛ ابن شهرآشوب، ۲۰۸/۳).

ابی نصر بخاری (متوفای۳٤۱) در گزارشی بدون منبع همین متن را پیش از قاضی نعمان آورده ولی با این تفاوت که می‌گوید حریث دو دختر یزدگرد را برای علی علیه‌السلام ارسال کرد (ابی نصر بخاری، ۳۱). این گزارش اخیر را، بر خلاف گزارش نخستین که کلبی نقل کرده بود، منابع شیعی به فراوانی نقل کرده‌اند (نک. مفید، *الارشاد*، ۱۳۷/۲؛ فتال نیشابوری، ۲۰۱؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ٤۸۰/۱-٤۸۱؛ ابن شهرآشوب، ۱۹٥٦: ۲۰۸/۳؛ ابن مطهر، ٥٦؛ علامه حلی، ۱٦۲؛ اربلی، ۲۹٥/۲؛ ابن عنبه، ۱۹۳-۱۹٤).

به نظر می‌رسد، اگر بنا باشد گزارشی برای وجود دختر یزدگرد تصور شود، با توجه به زمان تولد امام سجاد علیه‌السلام در سال ۳۸، این گزارش، در صورت درستی، نزدیک ترین قرائت به ماجرا است. به این معنا که حوالی سال ۳۷ ماجرای حریث و یا ماجرای دیگری به وقوع پیوسته باشد و کنیزی/کنیزانی به مدینه ارسال شده باشند و امام علی علیه‌السلام یکی را به فرزندش حسین علیه‌السلام داده و در سال ۳۸ هم امام سجاد علیه‌السلام به دنیا آمده باشد. احتمال نزدیک به واقع بودن چنین قرائتی به سبب بعید بودن وقوع آن بعد از ماجرای مدائن یا نهاوند است چرا که معمولاً در جنگ‌ها پادشاهان خانواده خود را از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

معرکه دور می‌کنند. درباره یزدگرد هم گزارش‌هایی نقل شده‌است که نشان می‌دهد در زمان حضور یزدگرد، یعنی مرحله آخر حیات وی، خانواده‌اش همراه وی بودند (نک. ابن اثیر، *الکامل*، ۱۲۲/۳–۱۲۳). حتی پیش از آن و در ماجرای فتح مدائن یزدگرد خانواده خود را به حلوان/سرپل ذهاب انتقال داده بود (طبری، *تاریخ*، ۱۲۳/۳؛ ابن مسکویه، ۳۵۵/۱؛ ابن جوزی، ۲۰٦/٤). طبیعتاً همسران و دختران و نزدیکان، همراه وی بوده و از جنگ دور نگه داشته می‌شدند. افزون بر این بلاذری (متوفای۲۷۹) به صراحت گزارشی نقل کرده که نشان از حضور و همراهی دختر یزدگرد با پدر است. در این گزارش گفته شده که بعد از حضور یزدگرد در مرو والی آنجا از دختر یزدگرد خاستگاری می‌کند که با واکنش پرخاش‌گرایانه یزدگرد روبرو می‌شود (بلاذری، *فتوح*، ۳۸۷/۲–۳۸۸).

گزارش مربوط به حریث بن جابر هم با ابهاماتی روبروست چرا که بر خلاف این گزارش و دو گزارش پیشینی از صفار و صدوق، منابع تاریخی اهل سنت، گزارش متفاوت دیگری را نقل کرده‌اند. در این گزارش خبر از حضور دختر/دختران یزدگرد در مدینه دوره علی بن ابی طالب است. با این ناهمگونی که ازدواجی میان پسر/پسران امام علی علیه‌السلام صورت نمی‌گیرد. این گزارش را نخستین بار دینوری (متوفای۲۷٦) و سپس طبری (متوفای۳۱۰) و ابن جوزی (متوفای۵۹۷) با تغییراتی نقل کرده‌اند. طبری در حوادث سال ۳۷ نقل کرده که علی بن ابی طالب فردی به نام خلید بن کاس را برای ولایت بر خراسان فرستاد. اهل نیشابور فرمانداری وی را نپذیرفتند و به رهبری دختری از آل کسری، که کابلی نیز بوده، گرایش پیدا کرده و دست به حرکتی علیه والی جدید زدند. جنگی در گرفت و خلید بر آنان پیروز شد. به دختر کسری زنهار و امان داد و او را نزد علی بن ابی طالب فرستاد. در گفتگویی که میان علی علیه‌السلام با دختر کسری صورت گرفت حضرت پیشنهاد ازدواج با فرزندش حسن را مطرح می‌کند. دخترکسری گفت در صورتی حاضر به ازواج می‌شود که آن شخص خود علی علیه‌السلام باشد. حضرت تلاش می‌کنند که وی را منصرف کند. در این میان یکی از بزرگان دهاقین عراقی، به اسم نرسی که ظاهرا از ابناء الملوک بود، درخواست ازدواج خود با دختر کسری را مطرح می‌کند. علی علیه‌السلام هم امر ازدواج را به عهده خود دختر می‌گذارد (دینوری،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

اخبارالطوال، ١٥٤).

طبری گزارش می‌کند که علی بن ابی طالب علیه‌السلام بعد از بازگشت از صفین، جعده بن هبیره مخزومی، فرزند ام هانی بنت ابی طالب، را به عنوان والی خراسان مشخص کرد. جعده به ابرشهر، یکی از شهرهای خراسان که رسید متوجه کافر شدن و مقاومتشان در برابر مسلمانان شد. او بازگشت و علی علیه‌السلام فرماندهی نظامی به نام خلید بن قره یربوعی را با لشکری به خراسان فرستاد. او خراسان را آرام و در این میان دو دختر از شاهزادگان ساسانی، که به امان تسلیم شده بودند، به دست وی افتاد. خلید آنان را نزد علی علیه‌السلام فرستاد. آنان از علی علیه‌السلام خواستند که به عقد فرزندانش درآیند که با مخالفتش روبرو شدند. علی علیه‌السلام، بنابر درخواست دهقانی، آنان را به وی داد. دختران نزد دهقان بودند. آنها بعد از مدتی اقامت نزد وی، محترمانه راهی خراسان شدند (طبری، *تاریخ*، ٤٦/٤؛ ابن جوزی، ١٢٩/٥). البته این گزارش را طبری به نقل از شعبی در جای دیگری از تاریخش با این تفاوت نقل کرده است که دیگری خبری از اسارت دختران یزدگرد و ادامه ماجرا نیست (طبری، *تاریخ*، ٦٩/٤).[1] به هر حال این گزارش بسیار همدیس گزارش‌های پیشینی درباره مادر امام سجاد علیه‌السلام است با این تفاوت که نه خود و نه فرزندانش موفق به ازدواج با دختر/دختران یزدگرد نشدند.

این گزارش عدم ازدواج در منابع حدیثی امامیه هم بازخوردهایی داشته است. نویسنده *کتاب الاختصاص*، که به کژی منسوب به شیخ مفید شده‌است، متنی از اثری به نام «کتاب ابن دأب فی فضل أمیر المؤمنین علیه‌السلام» از نویسنده‌ای به نام ابن دأب گزارش کرده است (مفید، *الاختصاص*، ١٥١). درباره وی گفته شده که او عیسی بن یزید بن بکر بن دأب (متوفای ١٧١)، محدث، مورخ و نسب شناسِ معاصر هادی خلیفه عباسی، است (آقابزرگ، ٢٥٣/١٦-٢٥٤؛ تستری، ٦٠٥/١١). ابن دأب در این کتاب به ماجرای ازدواج نکردن حضرت و فرزندانش با بنات کسری اشاره کرده است.

١. در گزارش‌های بلاذری (متوفای٢٧٩) درباره والیان امام علی علیه‌السلام بر خراسان و اعتراض‌های خراسانیان، چنین گزارش‌هایی دیده نمی‌شود (بلاذری، *فتوح*، ٥٠٥/٣). البته در اواخر خلافت امام علی علیه‌السلام در سال‌های ٣٩/٣٨ فتوحاتی که توأم با غنام و اسرا باشد در سرزمین‌های شرقی گزارش شده‌است (بلاذری، فتوح، ٥٣١/٣).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

نتیجه

درباره دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام در منابع نخستین روایی امامیه، مانند آثار صفار و شیخ صدوق، احادیثی از قول ائمه شیعه علیهم‌السلام بازگویی شده‌است. صفار و به پیروی از او کلینی، روایتی از عمرو بن شمر از جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده است. این روایت از نظر سند و محتوا مخدوش است. شیخ صدوق هم روایت دیگری با سندی مجهول با راویانی ناشناخته از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که در آن نام ائمه علیهم‌السلام و مادران ایشان آمده است. به نظر می‌رسد این حدیث هم از نظر محتوایی روگرفتی از حدیث معروف لوح باشد که اهل سنت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌اند. شیخ صدوق همچنین روایت دیگری از امام رضا علیه‌السلام به نقل از روای مجهولی به نام سهل بن طریق نوشجانی روایت کرده است که این روایت افزون بر مشکلات سندی از نظر تاریخی نیز مشکلات جدی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد این دو روایت صفار و شیخ صدوق چندان مورد توجه منابع امامی قرار نگرفته‌اند و با این که در این دو روایت نام مادر امام سجاد علیه‌السلام شهربانو معرفی شده‌است و طبیعتاً همین نام در منابع تاریخی و زندگی نامه امام سجاد علیه‌السلام باید مطرح شود، ولی شیخ مفید (۱۳۷/۲) فتال نیشابوری(۲۰۱) طبرسی (*تاج الموالید*، ۳۶-۳۷) و ابن خشاب (۲۳) همگی از عبارت «یقال» و «قیل» برای شهربانو استفاده کرده‌اند. افزون بر این بررسی تاریخی نشان می‌دهد که این روایات از نظر سندی و از نظر محتوایی با گزارش‌های تاریخی همساز نیست و نمی‌تواند برای دختر یزدگرد بودن مادر امام سجاد علیه‌السلام مورد استناد قرار داد. این پژوهش نشان داد که در مطالعات حدیث پژوهی مطالعات میان رشته‌ای چه نقشی می‌تواند ایفا کند. رویکرد تاریخی به حدیث یکی از عرصه‌های همین مطالعات بین رشته‌ای است که در نگاه با آن می‌توان احادیث را به گونه دیگری مورد بررسی قرار داد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

منابع

- ابن اثیر، عزّ الدّین ابن الاثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۹٦۵م.
- ـــــــــــــــــــ، *اللباب فی تهذیب الانساب*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- ابن بابویه، ابی الحسن علی بن الحسین بن بابویه قمی، *الامامة و التبصرة من الحیرة*، تحقیق مدرسة الامام المهدی علیه‌السلام، قم، انتشارات مدرسة الامام المهدی، ۱٤۰٤ق.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد ابن الجوزی، *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، تحقیق محمد و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱٤۱۲ق.
- ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تمیمی بستی، *صحیح ابن حبان*، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳م.
- ابن حبیب بغدادی، *المنمقفی اخبار قریش*، تحقیق فاروق، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ابن خشاب بغدادی، ابی محمد عبد الله بن نصر، *تاریخ موالید الائمة ووفیاتهم*، قم، مکتب اية الله مرعشی نجفی، ۱٤۰٦ق.
- ابن خلکان، احمد بن محمّد برمکی اربِلی، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، بیروت، دار الثقافة، بی‌تا.
- ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۰م.
- ابن شهر آشوب، ابی عبد الله محمد بن علی، *مناقب ال ابی طالب*، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۹۵٦م.
- ابن عبدالبر اندلسی، *التمهید*، مغرب، وزارة الاقاف، ۱۳۸۷.
- ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵م.
- ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی الحسینی، *عمدة الطالب فی انساب ال ابی طالب*،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

تحقیق محمد حسن آل الطالقانی، نجف، منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۹۶۱م.
- ابن غضائری، احمد بن الحسین الغضائری، *رجال ابن غضائری*، تحقیق محمّد رضا حسینیّ جلالی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
- ابن فقیه همدانی، ابی عبد الله احمد بن محمد بن اسحاق، *البلدان*، تحقیق یوسف الهادی، چاپ اول، بیروت، انتشارات عالم الکتب، ۱۹۹۶م.
- ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبد الله بن مسلم، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشة، مصر، دار المعارف، ۱۹۶۹م.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، *عیون الاخبار*، تحقیق یوسف علی طویل، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر، بیروت، دار إحیاء الکتب العربی، ۱۹۶۰م.
- ابن مسکویه، ابو علی مسکویه الرازی، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، دار سروش، ۱۳۷۹.
- ابن مطهر حلی، رضی الدین علی بن یوسف المطهر الحلی، *العدد القویةلدفع المخاوف الیومیة*، تحقیق مهدی رجائی، قم، انتشارات مکتبة اية الله المرعشی، ۱۴۰۸ق.
- ابی اعثم، ابی محمد احمد، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۹۱م.
- ابی نصر بخاری، ابی نصر سهل بن عبد الله، *سر السلسلة العلویة*، تحقیق محمد صادق بحر علوم، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۹۶۲م.
- ابی یعلی، احمد بن علی بن المثنی، *مسند ابی یعلی*، تحقیق حسین سلیم اسد، بیروت، دار المامون للتراث، بی‌تا.
- احمد حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۵م.
- اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۰.
- امیر معزی، محمدعلی، تشیع: ریشه ها و باروهای عرفانی، ترجمه نورالدین نوراللهی،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

نامک، تهران، ۱۳۹۳.
- آقابزرگ، محمدمحسن، *الذریعة*، بیروت، دار الاضواء، ۱۹۸۳م.
- بری، محمد بن ابی بکر الانصاری، *الجوهرة فی نسب الامام علی والـه*، تحقیـق محمـد تونجی، دمشق، مکتبة النوری، ١٤٠٢ق.
- بلاچ، ای. ان. *کتاب های بزرگ تمدن اسلامی*، ترجمه زهرا آقا محمد شیرازی، تهـران، سفینه، ۱۳۸۳.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد حمیدالله، مصـر، دار المعارف، ١٩٥٦م.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، *فتوح البلـدان*، تحقیـق صـلاح الـدین المنجـد، قاهره، مکتبة النهضة المصریة، ١٩٥٦م.
- تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٩ق.
- جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام*(سیره رسول خدا) قم، دلیل ما، ۱۳۸۰.
- جوهری، احمد بن عبید الله بن عیاش، *مقتضب الاثرفی النص علي الائمة الاثنـی عشـر*، قم، مکتبة الطباطبائی، بی تا.
- خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علیخطیب البغدادی، *تاریخ بغـداداو مدینـة السـلام*، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۷م.
- خلیفه بن خیاط، ابی عمرو خلیفة بن خیـاط، *طبقـات خلیفـه/کتاب الطبقـات*، تحقیـق سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۳م.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام*، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۹۹۸م.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، *سیر الاعلام النبلاء*، تحقیـق شـعیب الارنـؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳م
- راوندی، قطب الدین، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسة الامام المهدی، ١٤٠٩.
- زمخشری، ابی القاسم محمود بن عمر، *ربیع الابـرار و نصـوص الاخبـار*، تحقیـق عبـد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

الامیر مهنا، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۲م.
- سلیمان بن خلف، ابن ایوب الباجی المالکی، *التعدیل و التجریح*، تحقیق احمد البزار، مراکش، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، بی‌تا.
- سمعانی، سعد عبد الکریم بن محمدبن منصور، *الانساب*، تحقیق عبد الله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان، ۱۹۸۸م.
- سید بن طاووس، ابی القاسم علی بن موسی، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن/الملاحم والفتن*، تحقیق حسن عزیز حکیم، مؤسسهٔ صاحب الامر، ١٤١٦ق.
- شافعی، محمد بن طلحه، *مطالب السوال*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- شاکرمصطفی، *التاریخ العربی*، بیروت، دارالملایین، ١٩٧٦م.
- شریعتی، علی، *تشیع علوی و تشیع صفوی*، تهران، چاپخش، ۱۳۷۷.
- شریف رضی، *حقائق التاویل*، تحقیق کاشف الغطاء، بیروت، دارالمهاجر، بی تا.
- شهیدی، سید جعفر، *زندگانی علی بن الحسین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ، ١٣٦٥.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، *عیون الاخبار*، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٩٨٤م.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، *عیون الاخبار*، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ١٩٨٤م.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٣٦٣.
- صفار، ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا محسن کوچه باغی، تهران، منشورات الاعلمی، ١٣٦٢.
- صفدی، صلاح‌الدین ابوالصفاء خلیل بن ایبک بن عبدالله سیفی، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الارناؤوط وترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث،۲۰۰۰م.
- صنعانی، بکر عبد الرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، بی نا، بی تا.
- طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، *اعلام الورا باعلام الهدی*، تحقیق مؤسسة ال البیت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

لاحیاء التراث، قم، مؤسسة ال البیت علیهم‌السلام، ۱٤۱۷ق.
- طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن، *تاج المواليد فی مواليد الائمة و وفياتهم*، قم، مکتب اية الله المرعشی النجفی، ۱٤۰٦ق.
- طبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب، *الاحتجاج*، تحقیق محمد باقر خرسان، نجف، دار النعمان، ۱۹٦٦م.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم الطبری الصغیر، *دلائل الامامیه*، تحقیق مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم، مؤسسة البعثة، ۱٤۱۳ق.
- طبری، محمد بن جریر، *المنتخب من ذیل المذیل من تاریخ الصحابة والتابعین*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۳۹م.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، *تاریخ الامم والملوک*، چاپ چهارم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۳م.
- طوسی، محمد بن الحسن، *رجال الابواب*، تحقیق جواد القیومی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱٤۱۵ق.
- ـــــــــــــــــــــــــــ ، *الغیبه*، تحقیق عباد الله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱٤۱۱ق.
- علامه حلی، حسن بن المطهر، *المستجاد من الارشاد*، قم، مکتب اية الله المرعشی، ۱٤۰٦ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن الفتال، روضه الواعظین، تحقیق محمد مهدی‌حسن خرسان، قم، منشورات الرضی، بی تا.
- قاسم بن إبراهیم الرسی، *تثبیت الإمامة*، تحقیق صالح الوردانی، الغدیر، تهران، ۱٤۱۹.
- قاضی نعمان مغربی، ابی حنیفة النعمان بن محمد التمیمی، *شرح الاخبارفی فضائل الائمة الاطهار*، تحقیق محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱٤۱٤ق.
- قمی، محمد بن حسن، *العقد النضید*، تحقیق علی اوسط، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱.
- کاتب البغدادی، *تاریخ الائمه*، قم، مکتبه المرعشی، ۱٤۰٦.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دار الکتب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

الاسلامیة، ۱۳٦۳.
- مبرد، ابو عباس محمد بن یزید، *الکامل فی اللغة و الادب*، تحقیق تغاریـد بیضـون، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۷م.
- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، قم، دارالهجره، ۱٤۰٤.
- مسلم نیشابوری، ابی الحسین مسلم بن الحجاج، *صحیح مسلم*، بیـروت، دار الفکـر، بی‌تا.
- مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۰.
- مفید، ابی عبد الله محمد بن النعمان، *الارشادفی معرفة حجـج الله علـی العبـاد*، تحقیـق مؤسسة ال البیت علیهم‌السلام، چاپ دوم، دار المفید، ۱٤۱٤ق.
- مفید، ابی عبد الله محمد بن النعمان، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار المفید، ۱۹۹۳م.
- مهدوی دامغانی، احمد، «شاهدخت و الاتبار»، ضمیمه آینـه میـراث، شـماره۱٦، سـال ۱۳۸۸.
- نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، بیروت، دارالضواء، ۱٤۰٤.
- یافعی، ابی محمد عبد الله بن اسعد بن علی بن سلیمان، *مراة الجنـان و عبـرة الیقظـان*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۷م.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ الیعقوبی*، دارصادر، بیروت، بی‌تا.
- یوسفی، محمدهادی، *موسوعة التاریخ الإسلامی*، قم، مجمع اندیشه اسلامی، ۱٤۱۷ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8]
[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25]

[DOI: 10.29252/isihistory.1.37.25] [DOR: 20.1001.1.22519726.1399.1.37.2.8] [Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]